

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس چهارم

فصل اول: پیش درآمدی بر شناخت سیره معصومین علیهم السلام

فصل دوم: اصول حاکم در سیره اهل بیت علیهم السلام

فصل سوم: دسته بندی سیره اهل بیت علیهم السلام

اول: سیره عبادی

دوم: سیره فردی

سوم: سیره معاشرتی

الف) خانواده

۱- اهمیت تشکیل خانواده

۲- تحکیم خانواده

۳- فرزندان

- اهمیت گسترش نسل

- وظایف والدین

- تربیت فرزند

۴- والدین

۵- ارحام

نورالمتین
موسسه تخصصی اخلاق
فرهنگ قرآن و عترت
علیه السلام

۳- فرزندان:

بحث سیره‌ی رفتاری با خانواده را بنا شد در چهار محور بحث کنیم. محور اول سیره‌ی رفتار با همسر که در برنامه‌ی قبل به تفصیل درباره‌ی این موضوع صحبت شد. سه محور باقیمانده را هم در این برنامه مورد بحث قرار می‌دهیم. یکی رفتار با فرزندان، دوم والدین و سوم ارحام. اما بخش اول رفتار با فرزندان است.

- اهمیت گسترش نسل:

یکی از اهداف ازدواج استمرار نسل است آن هم نسل صالح و خوب.

پیغمبر گرامی اسلام فرمود: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا»^۱ چه چیزی باعث می‌شود که انسان مؤمن زن نگیرد، چه چیز مانع از ازدواج او می‌شود؟ «لَعَلَّ اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^۲ «إِنْ شَاءَ اللَّهُ خِدَانًا» یا به تعبیر دیگر شاید خداوند به او فرزندی روزی کند که زمین را از «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سنگین کند.

گسترش توحید در اسلام نشر کلمه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، تربیت نسل موحّد یکی از اهداف تشکیل خانواده است. به همین جهت هم از همان آغاز پیغمبر گرامی اسلام بر مسئله‌ی گسترش نسل تأکید داشتند و محدودیتی در مسئله‌ی فرزندداری برای مسلمانان قائل نشدند.

این نکته، نکته‌ی بسیار مهم و کلیدی است که قرآن کریم هم با صراحت می‌فرماید: فرزندان خود را از ترس روزی نکشید، خدا آن‌ها را روزی می‌دهد. در سوره‌ی انعام، می‌فرماید. باز در جای دیگر توصیه می‌کند به این که اگر شما فرزنددار شدید خدا روزی را گسترش می‌دهد، توسعه می‌دهد.

در یک نقلی دارد حضرت یوسف وقتی برادرش بنیامین را ملاقات کرد و او را دید احوال هم را پرسیدند آیا تو ازدواج کردی؟ همسر داری؟ گفت: بله پدرم به من دستور داد «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي»^۲ یعنی یعقوب پدرم به من فرمان داد «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَافْعَلْ»^۳ پسر بنیامین اگر می‌توانی فرزندانی داشته باشی که در روی کره‌ی زمین سبحان الله بگویند، تسبیح گوی خدا باشند پس تلاش کن.

به همین جهت در بعضی از روایات که از امام صادق (علیه السلام) رسیده، دارد بنیامین ۱۱ پسر داشت که همه‌ی آن‌ها را یا یوسف گذاشته بود یا نام‌هایی که مشتق از یوسف بود. یعنی به هر حال به نوعی کلمه‌ی یوسف در آن اسم اشراف شده بود. خودش گفت: «وُلِدَ لِي أَحَدَ عَشَرَ ابْنًا»^۳ خدا به من ۱۱ پسر داد، «كُلُّهُمْ» اسم هر کدام از آن‌ها را از اسم تو مشتق کردم، به خاطر علاقه‌ای که به یوسف داشتم.

منظور من این جا است که مسئله‌ی تحدید نسل یعنی محدودیت و جلوگیری از گسترش فرزند مطلوب اسلام نیست؛ بلکه ممکن است یک شرایطی در جامعه اقتضا کند یک وقتی انسان یک چنین نکته‌ای را به خاطر شرایط محدودیت کشور مثلاً توصیه کند که حتی با این هم مخالف هستند، می‌گویند: نه، باید سعی کرد ایجاد شغل کرد، ایجاد زراعت کرد، ایجاد درآمد کرد نه این که فرزندها را محدود کرد. فرزند کمتر و آسایش بیشتر شعار صحیحی از نظر اسلام نیست و جالب این است که امروز هم خود افرادی

۳- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۷.

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲- الكافي، ج ۵، ص ۳۲۹.

که دست اندرکار امور فرزندان و خانواده هستند می‌گویند دامن زدن به این شعار اشتباه بوده است، به دلیل این که خانواده‌های تک فرزند یا کم فرزند بیشتر دچار بحران‌های روحی می‌شوند. هر چه فرزندان بیشتر باشد نیازهای همدیگر را تأمین می‌کنند، ارتباط دوستی با هم بیشتر است، افسردگی و نگرانی کمتر است. خود به خود رکود در جامعه نیست، نیاز به مشاغل بیشتری است. این راجع به اصل فرزندداری.

- وظایف والدین:

در اسلام نسبت به فرزند ما وظایفی داریم که من این وظایف را در چند اصل خدمت شما عرض می‌کنم. اول تربیت دینی فرزندان است، تأکید شده است که فرزندان خود را از نظر دینی دین آن‌ها را و توحید آن‌ها را حتی از همان کودکی... می‌گویند از همان هفت سالگی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تعلیم دهید، بچه‌های خود را در هفت سالگی به نماز امر کنید یعنی بالاخره با نماز آشنا شوند. درست است که نماز بر آن‌ها واجب نیست، ولی با نماز آشنا کنید، به آن‌ها نماز را تعلیم دهید حتی روزه را. می‌گوید یک نصف روز روزه بگیرند، ممکن است ظهر غذا بخورند. امساک را به آن‌ها عادت دهید. این مسئله‌ی اول که مسئله‌ی تربیت دینی فرزندان است.

دوم تربیت اخلاقی است. به بچه‌ها آداب اسلامی را بیاموزید. یکی از چیزهایی که از گذشته بزرگان توجه داشتند نوشتن کتاب، نامه، توصیه‌های اخلاقی به فرزندان بوده است. نخستین نامه‌ی اخلاقی را علی (علیه السلام) به فرزند خود امام مجتبی (علیه السلام) نوشته است - نخستین را از نظر اسلام عرض می‌کنم که در واقع نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه است - آقا بعد از صفین نوشته است، چه توصیه‌های بلندی در این نامه است، اگر کسی یک دوره این را مطالعه کند انتظارات یک پدر را از فرزند و آن توصیه‌ها را می‌تواند استخراج کند.

بنده یک کتابی یک موقع دیدم که به نام نصایح پدران به فرزندان بود. از زمان آدم ابو البشر تا امروز نویسنده قالب حرف‌های خوبی که پدران به فرزندان خود زدند را جمع‌آوری کرده است، خود قرآن توصیه می‌کند.

چرا قرآن «یا بُنَّیَّ» لقمان را می‌آورد؟ شما چقدر در قرآن «یا بُنَّیَّ» دارید، یعقوب به پسر خود می‌گفت: «یا بُنَّیَّ». نوح پیغمبر به فرزند خود می‌گفت: «یا بُنَّیَّ ارْكَبْ مَعَنَا»^۱ لقمان به پسر خود می‌گفت: «یا بُنَّیَّ اَقِمِ الصَّلَاةَ»^۲ این‌ها نشان دهنده اهتمام به فرزند است. چرا حضرت نوح به فرزند خود فریاد می‌زند پسر ما با ما باش؟ «ارْكَبْ مَعَنَا»^۳ اگر با غیرنا سوار شدی منحرف می‌شوی، از ما جدا نشو. چرا حضرت یعقوب از همان آغاز رازداری را به فرزند خود یاد می‌دهد؟ «لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ»^۴ خواب خود را برای برادرانت نقل نکن. چرا قرآن در سوره‌ی لقمان بخشی از سوره را به نصایح لقمان به فرزندش اختصاص می‌دهد؟ پسر ما نماز بخوان، امر به معروف کن، بدان هر کاری که انجام می‌دهی قیامت حساب و کتاب دارد و ثبت می‌شود؟ این همان اهمیت به تربیت اخلاقی و تربیت دینی فرزند است.

سوم تربیت جسمی است، بله پدر وظیفه دارد نسبت به ورزش فرزند، نسبت به جسم فرزند، نسبت به تأمین نیازهای مالی فرزند کمک کند، رسیدگی کند، اگر بزرگ شد به او همسر دهد، مدیریت کند، این‌ها نکات مهمی است.

۱- سوره‌ی هود، آیه ۴۲.

۳- سوره‌ی هود، آیه ۴۲.

۲- سوره‌ی لقمان، آیه ۱۴.

۴- سوره‌ی یوسف، آیه ۵.

چهارم تربیت عاطفی است. پیغمبر اکرم مرتب حسن و حسین را می‌بوسید. دست روی سر آن‌ها می‌گذاشت، سوره‌ی «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»^۱، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» می‌خواند. آن‌ها را در آغوش می‌گرفت، روی شانه سوار می‌کرد، روی زانو می‌گذاشت. این اظهار محبت است، بچه سنگ نیست، باید محبت به او اظهار شود، باید محبت به او بیان شود. این‌ها چهار تربیت مهم است که شاید بتوانیم پنجمی را هم اضافه کنیم که تربیت علمی و آموزشی است. پدر نسبت به فرزند موظف است انجام دهد.

نکته‌ی بعدی راجع به فرزندان دعای برای بچه‌ها است. فراوان در روایات داریم برای بچه‌های خود دعا کنید. اصلاً امام سجّاد در صحیفه‌ی سجّادیه برای اولاد دعا دارد. دعای والد برای اولاد، برای فرزند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پدرم برای ما دعا می‌کرد، می‌گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَالِدِ»^۳ خدایا به تو پناه می‌برم از این‌که بدبختی دامن‌گیر شود، شماتت دشمن شامل ما شود و پناه می‌برم از دیدن صحنه‌ی بد در زن و مال و اولاد. پناه می‌برم «فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَالِدِ» صحنه‌ی بد در مال این است که مال از بین برود، خراب شود، مال حرام باشد. صحنه‌ی بد در اولاد این است که تصادف کند، مریض شود، بی‌دین شود. صحنه‌ی بد در همسر همین است. «أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَالِدِ» می‌گوید «كَانَ أَبِي يَقُولُ» پدرم امام باقر این‌طور دعا می‌کرد. این روایت در کافی شریف و بحار آمده است.

باز امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: «حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ»^۴ خود و خانواده‌های خود را با دعا نگهداری کنید. لذا بعد از نماز عشاء ایشان مقید بود برای فرزندان دعا کند حتی نماز برای فرزندان بخواند.

شما ببینید در دعایی که قرآن نقل می‌کند: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى الْوَالِدِيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» سوره‌ی احقاف، آیه ۱۵ که جالب است می‌فرماید: افرادی که به سن ۴۰ می‌رسند این دعا را می‌خوانند. دیگر غالباً کسی که به سن ۴۰ رسیده اولاد دارد، همسر دارد، فرزندان دارد. می‌گویند خدایا «أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» در خانواده‌ی ما اصلاح قرار بده، سالم قرار بده. این هم نکته‌ی بعدی که دعا برای فرزندان است.

نکته بعدی نگاه مساوی به فرزندان و عدم تفاوت بین دختر و پسر است. مع الاسف در فرهنگ جاهلی نگاه به دختر نگاه منفی بود، اصلاً فرزند را پسر می‌دانستند؛ می‌گفتند «بنو أبناؤنا أبناؤنا» پسرهای پسر، پسر هستند، پسرهای دختر پسر نیستند؛ اصلاً نوه‌ی دختر را فرزند نمی‌دانستند. تعمداً خدا به پیغمبر گرامی اسلامی نسلی از حضرت زهرا (سلام الله علیها) داد و اسم آن‌ها را پسر گذاشت که از آیه‌ی مباحله به امام حسن و امام حسین ابناء گفت و مقید هم بودند و ما هم هستیم که وقتی به ائمه سلام می‌دهیم، بگوییم «السَّلَامُ عَلَيكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ» با فرض این‌که تمام این‌ها از طریق مادر فقط به پیغمبر می‌رسند، از طریق زهرا (سلام الله علیها).

یک موقعی هارون الرشید به موسی بن جعفر (علیه السلام) اعتراض کرد، آقا فرمودند: مگر قرآن نمی‌فرماید حضرت عیسی از ذریه‌ی ابراهیم است، فرزند ابراهیم است، حضرت عیسی از مادر به ابراهیم می‌رسد نه از پدر. مگر در آیه‌ی مباحله ابناء به فرزندان پیغمبر گفته نشده است؟ اسلام روی این نظر جاهلی خط بطلان کشید که نگاه پدر نه تنها به دختر و پسر مساوی باشد

۱- سوره‌ی فلق، آیه ۱.

۲- سوره‌ی ناس، آیه ۱.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۵۲۶.

۴- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، ص ۱۰۳.

بلکه در یک جاهایی دختر را ترجیح داد. مثلاً فرمود: اگر از مسافرت می‌آید سوغات می‌آوردید از دخترها شروع کنید یا فرمود: «الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ الْبَنُونَ نَعَمٌ»^۱ تعبیر خیلی عجیبی است. دختر نعمت است، دختر حسنه است، پسر نعمت است. حالا فرق این دو چیست؟ من ردیف آن را می‌گویم روشن شود.

نماز شب حسنه است، ذکر حسنه است، دعا حسنه است، دختر را در ردیف حسنه آورد یعنی نفس دخترداری ثواب است. پسر نعمت است، آب نعمت است، گوشت نعمت است، غذا نعمت است، از نعمت انسان سؤال می‌شود، ولی از حسنات به انسان اجر و ثواب داده می‌شود. این هم نکته‌ی بعدی که در رفتار با فرزندان باید توجه شود مخصوصاً دخترها.

بله حالا به اقتضای این که مرد مدیر خانه است، ممکن است اسلام در ارث نسبت به مرد دو برابر قائل شده است. یا اگر مردی از دنیا برود بالاخره خانواده‌ی او باید مدیریت کنند دیه‌ی مرد را بیشتر قرار داده است یا جهاد را از زن برداشته کما این که از مردها فرزندی را برداشته است. آیا این که مرد فرزند نمی‌آورد نقص است؟ هر نه ایی نقص نیست، آیا این که مردها نمی‌توانند فرزند را بزرگ کنند یا در خانه تأمین غذایی برای او داشته باشند این نقص است؟ نه بالاخره اقتضای جسم زن و مرد این تفاوت‌ها را دارد، اما اسلام در یک کلمه نگاهش به زن و مرد این است «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»^۲ هر کسی کار صالح انجام دهد مرد باشد یا زن باشد زندگی پاکیزه دارد.

سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵ را ببینید ده مورد را آن جا شمرده است، اسلام، ایمان، صبر، ذکر، «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ» می‌گوید هیچ فرقی در این جهات بین زن و مرد نیست.

- تربیت فرزند:

نکته‌ی آخری که باید راجع به فرزندان مطرح کنیم شیوه‌ی تربیت فرزند است. اسلام خیلی به این موضوع اهمیت داده است که تربیت فرزند در هفت سال اول، هفت سال دوم، هفت سال سوم، کودکی، نوجوانی، جوانی به چه صورتی باشد. این که می‌گوید در یک مقطعی یعنی از سن ۱۴ به بعد وزیر شما است؛ در یک مقطعی باید بازی کند حتی نسبت به بازی‌های کودکان، نسبت به دوستان خود این که با چه کسی دوست می‌شوند، با چه کسی ارتباط دارند اسلام خیلی به این مطلب اهمیت داده است و لذا شما ببینید سیره‌ی بزرگوار ما را که گاهی می‌فرمودند: پدرم این طور فرموده است «أَدَبْنِي أَبِي بِثَلَاثٍ» امام صادق فرمود: پدرم به سه چیز من را نصیحت کرد.

یا حتی نسبت به رفتارهای آن‌ها کنترل داشتند. روایت دارد امام صادق می‌فرماید: من در حال طواف در خانه‌ی خدا بودم، دیدم یک دستی روی شانه‌ی من آمد، برگشتم دیدم پدرم امام باقر (علیه السلام) است، فرمود: فرزندم... چون امام صادق زیاد طواف می‌کرد و خسته شده بود، فرمود: فرزندم خودت را به زحمت نینداز. خدا به عمل کم هم راضی می‌شود.^۳ او جهت عبادت فرزند را به سمت اعتدال می‌برد.

یا اسماعیل پسر امام صادق (علیه السلام) یک موقع با همسرشان اختلاف پیدا کرد، ظاهراً ایشان به همسرشان زد، همسر او قهر کرد. اسماعیل بیمار شد، به بستر افتاد. امام صادق (علیه السلام) به عروس خود گفتند: فرزند من را ببخش اشتباه کرد. کفاره‌ی آن

۱- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۶.

۲- الکافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الاقتصاد فی العباده، ح ۵، ج ۲، ص ۸۷

۳- سوره‌ی نحل، آیه ۹۷.

را هم داد، مریض شد. او را به خانه‌ی پسرش آورد ببینید چقدر دقیق است. یعنی یک پدر حتّی عروس اختیار کرده است، اما اگر اختلافی بین زن و مرد پیش آمده، می‌آید ورود پیدا می‌کند و این اختلاف را حل می‌کند. حتّی از عروس تقاضا می‌کند که فرزندش را ببخشد، او را به منزل می‌برد. این روایت را تازه ندیدم، حتّی امام صادق یک هدیه‌ای به ایشان داد.^۱

یا اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) می‌خواست پولی به کسی بدهد که آن آقا تجارت کند، کاسبی کند سود بیاورد. آقا فرمودند: به او پول نده این آدم، آدم مورد اعتمادی نیست حالا تعبیر این است، مردم این طور در مورد او قضاوت می‌کنند، ظاهراً یک آدم مورد وثوقی نبوده است. دارد روابط فرزند را مدیریت می‌کند.

امام سجّاد (علیه السلام) به فرزندشان امام باقر فرمودند: فرزندم با پنج گروه دوست نشو، مصاحب نشو، همراه نشو. «إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْكُذَّابِ»^۲ با دروغگو، با بخیل، با قاطع رحم یعنی کسی که قطع رابطه‌ی با فامیل کرده است، با فاسق کسی که به راحتی فسق انجام می‌دهد.

متن آن را دوستان می‌توانند بعد ملاحظه کنند، امام برای هر کدام دلیل آورد. با دروغگو دوست نشو چون مثل سراب است، دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد. با بخیل دوست نشو تو را به یک لقمه‌ای می‌فروشد. با قاطع رحم دوست نشو چون در کتاب خدا او را ملعون یافتیم. این‌ها نماد این است که امام دارد خط می‌دهد، رفاقت با چه کسی باشد، دوستی با چه کسی باشد. این‌ها وظایفی است که نسبت به فرزند است که اشاره شد. کتاب‌های خوبی هم در این رابطه نوشته شده است مخصوصاً کتاب مرحوم آقای فلسفی به نام کودک که ایشان در آن جا در این رابطه خوب بحث کرده است.

۴- والدین:

در بخش رفتار خانوادگی دو بخش را گفتیم همسر و فرزند دو بخش دیگر ماند. سومی شیوه‌ی رفتار با والدین است. خیلی مهم است شما در سوره‌ی اسراء، در سوره‌ی انعام، آیه ۱۵۱ و چند جای قرآن دارید که خدا کنار توحید می‌فرماید: «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» خیلی مهم است. وقتی ۱۰ خدا می‌خواهد ده فرمان مهم را در سوره‌ی انعام بیان کند که آن جا معروف است سه آیه ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳ اختصاص پیدا کرده است که بعد هم می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا» راه مستقیم همین‌ها است. اوّلی این است «الَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا»، دومی «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» است. ببینید چقدر مهم است در میان ارزش‌هایی که می‌خواهد بشمارد توحید، احترام به پدر و مادر است.

در بحث دعا هم خدا این طور به ما یاد می‌دهد. «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِيَوَالِدِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، آیه ۴۱. خدایا من و پدر و مادرم را، مؤمنان را بیامرز. یا در سوره‌ی نوح، آیه ۲۸ «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِيَوَالِدِي وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» خدایا من را ببخش، پدر و مادر من را ببخش و «و لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا» مؤمنی که وارد خانه‌ی من می‌شوند را ببخش.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۳۷۶.

۱- بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۶۸.

سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۴ را عزیزان ببینید، توصیه‌هایی که تحت عنوان باید‌ها و نبایدها قرآن نسبت به فرزندان دارد. می‌فرماید: «وَ اٰخِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلٰلِ مِنَ الرَّحْمَةِ» از سر مهربانی بال فروتنی برای پدر و مادر فرود بیاور «وَ قُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيْرًا» خدایا آن‌ها را مورد رحم قرار بده همان‌طور که در خردسالی من را پروراندند.

در همین سوره نگاه کنید توصیه‌هایی که خداوند تبارک و تعالی در این سوره و جاهای دیگری در قرآن بیان می‌کند «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا اَقْبٰ»^۱ اعلام ناراحتی به پدر و مادر نکنید. «وَ لَا تَنْهَزُهُمَا» بر سر آن‌ها فریاد نزنید. مجموعه‌ای از این باید‌ها و نبایدها در قرآن کریم و روایات ما راجع به والدین آمده است.

امام سجّاد (علیه السّلام) در صحیفه‌ی سجّادیّه یک دعایی دارند. دعای برای والدین است که در آن دعا امام (علیه السّلام) مطالب بسیار بلندی را نسبت به پدر و مادر بیان می‌کنند که بعضی از تعبیرشان این است: «اللّٰهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي وَ اَثِيْمَهُمَا عَلٰى تَكْرِمَتِي» خدایا پدر و مادر زحماتی برای من کشیدند، تو از آن‌ها به خاطر تربیت من سپاس کن. آن دورا بر گرامی داشتن من پاداش بده. جالب است «اللّٰهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ اَذٰى» اگر یک وقت یک آزاری که از من به ایشان رسیده است بالاخره بدی کردم، کوتاهی کردم «اَوْ خَلَصَ اِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوْهِ» یک ناخوشایندی از من دیدند «اَوْ صَاعَ قَبْلِيْ لَهُمَا مِنْ حَقِّ» یک وقتی من حق آن‌ها را ضایع کردم خدایا «فَاَجْعَلْهُ حِطَّةً لِّذُنُوْبِهِمَا» این‌ها را سبب ریختن گناهان آن‌ها و علو درجات آن‌ها قرار بده. این دعا که دعای ۲۴ صحیفه‌ی سجّادیّه است.

این دعا‌هایی که از ائمه رسیده است مخصوصاً دعای ۲۴ صحیفه به ما یاد می‌دهد که نسبت به پدر و مادر حسّاس باشیم. سیره‌ی معصومین (علیهم السّلام) را ببینیم که نسبت به والدین خود چگونه بودند. پیغمبر گرامی اسلام مادر رضایی ایشان می‌آمد بلند می‌شد، عبا را تا می‌کرد زیر پای او می‌انداخت، می‌فرمود: حلیمه‌ی سعدیه مادرم است. نسبت به مادرشان که از دنیا رفته بود، در منطقه‌ی ابواء بین مدینه و مکه سر قبرشان می‌آمدند.

امیر المؤمنین در تشییع جنازه‌ی مادرشان ناله می‌زدند، «يَا اُمَّاهُ، يَا اُمَّاهُ» مادر جان، مادر جان. فاطمه‌ی بنت اسد را خیلی دوست داشتند. از بعضی معصومین نقل شده با مادرشان در یک ظرف غذا نمی‌خوردند، می‌گفتند می‌ترسم من لقمه‌ای بخوام بردارم که مادرم می‌خواسته همان لقمه را بردارد. یک وقت تا این حد نسبت به آن‌ها بی‌احترامی باشد. حتی نسبت به مادر رضایی که به او شیر داده احترام می‌گذاشتند. این هم نکته‌ای که در ارتباط با این مسئله است.

اگر شما می‌بینید امام سجّاد (علیه السّلام) در دفن پدر بزرگوارشان بدن علی اکبر را پایین پا قرار می‌دهند، این حرف دارد، این مفهوم دارد. یعنی حتی احترام به والدین، احترام به پدر در دفن جنازه هم باید رعایت شود که پایین پای پدر قرار بگیرد. به هر حال این موضوعی است که باید روی آن دقّت بیشتری شود، اسلام به این موضوع اهمّیت فراوانی داده است.

در روایات ما وظایف مختلفی را برای پدر و برای فرزندان نسبت به والدین قرار داده است و در روایت داریم سه اصل است که این‌ها بین المللی است یعنی حتی پدر و مادر شما کافر هم هستند یکی از این اصول است که باید احترام آن‌ها رعایت شود «ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لِاَحَدٍ فِيْهِنَّ رُحْمَةٌ»^۲ سه ویژگی است که احدی در آن رخصت ندارند، نمی‌تواند ترک کند. یکی «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ» رسیدگی به پدر و مادر، بعد می‌فرماید: مؤمن باشند یا کافر. عجیب است لذا یک وقتی پیش عکرمه پسر ابو جهل که ابوجهل دشمن اسلام بود،

۱- سوره‌ی اسراء، آیه ۲۳.

۲- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۱.

کافر از دنیا رفت. یک کسی به ابو جهل توهین کرد، عکرمه ناراحت شد، پیغمبر هم منع کرد فرمود: دیگر پیش پسر به پدر چیزی نگویند. با فرض این که ابا جهل دشمن فرعون زمان پیغمبر است.

این خیلی مهم است، یک موقعی یک نفر مسلمان شد و نزد امام صادق (علیه السلام) آمد گفت: مادرم مسیحی است، از اهل کتاب است. اسم این آقا زکریا بود، من هنوز اجازه دارم او را تکریم کنم یا نه حالا که مسلمان هستم دیگر با او غذا نخورم، تحویل نگیرم؟ آقا فرمودند: از این به بعد بیشتر به او احترام کن، بیشتر او را تحویل بگیر. اینها نکات کمی نیست.

عبدالله بن ابی منافق بود، از دنیا رفت. پیغمبر خدا به خاطر فرزندش که مسلمان بود در تشییع او شرکت کرد، حتی پیغمبر پیراهن خود را داد که بر او بپوشانند با این که خود پیغمبر فرمود: این پیراهن به درد او نمی خورد، چون منافق بود، مسلمانها را اذیت کرده بود ولی به خاطر فرزند پیغمبر ملاحظه کرد. این راجع به رفتار با والدین است که تا این جا اشاره شد.

۵- ارحام:

نکته‌ی آخری که در بحث سیره‌ی رفتاری ائمه (علیهم السلام) با خانواده عرض می‌کنیم بحث ارحام است. اهمیت رحم در یک آیه از قرآن می‌گوییم، ببینید چقدر مهم است و آن آیه‌ی آغاز سوره‌ی نساء است. اول سوره‌ی نساء که شروع می‌شود خدا می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ»^۱ مردم تقوا داشته باشید، از خدا بترسید که سؤال می‌شوید «الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ» خدایی که از شما درباره‌ی او سؤال می‌شود، «وَالْأَرْحَامَ» خیلی عجیب است در کنار خدا ارحام آمده است یعنی کلمه‌ی ارحام به خدا عطف شده و انسان نسبت به او مسئول است و روز قیامت از او سؤال می‌شود.

نکته‌ی دیگر این که در روایت داریم خدا می‌فرماید: می‌دانید چرا من به خویشاوندان ارحام می‌گویم؟ چرا به فامیل رحم می‌گویند؟ فرمود: «أَنَا الرَّحْمَنُ» چون اسم من رحمان است، کلمه‌ی فامیل و رحم را از نام خودم گرفتم، مشتق کردم. به همین جهت است یعنی این نشان‌دهنده‌ی اهمیت در مقابل با رحم و فامیل است.

توصیه‌های فراوانی درباره‌ی رحم و فامیل داریم از جمله این که در روایات داریم پیغمبر گرامی اسلام و ائمه‌ی معصومین گاهی فرمودند: صله‌ی رحم عمر را زیاد می‌کند و توصیه‌های دیگری که شده که رزق را زیاد می‌کند، برکت می‌آورد. اما من چند نکته را باید این جا اشاره کنم.

نکته‌ی اول در رحم این است که اولویت داریم. برادر، خواهر بعد طبیعتاً عمه، عمو، دایی، خاله نسبی مقدم هستند و لذا خدمت پیغمبر گرامی اسلام آمد، یک گناهی کرده بود فرمود: برو به مادرت احترام کن. گفت: مادرم از دنیا رفته است، فرمود: به خاله‌ی خود احترام کن.

یا داود رقی از اصحاب امام صادق با پسر عموی خود قهر بود می‌خواست به مکه برود، یک کادویی برای او برد و با ایشان صلح کرد و احوالپرسی کرد بعد خدمت امام صادق (علیه السلام) آمد، آقا فرمودند: «صَلَّتْكَ لِابْنِ عَمِّكَ فَسَرَّنِي»^۲ من را خیلی خوشحال کردی که به پسر عموی خود سرزدی. گفتیم آقا ایشان این طور نیست به من سر نمی‌زند، یک طرفه است. آقا فرمودند: او نتیجه‌ی قطع رحم خود را می‌بیند، عمرش کوتاه می‌شود، ولی تو کار خوبی کردی.

۱- سوره‌ی نساء، آیه ۱.
۲- الخرائج و الجرائح، فصل فی اعلام الامام الصادق عليه السلام، ج ۲، ۶۱۲ و الأملی (للطوسی)، ص ۴۱۳.

خود امام صادق (علیه السلام) در یک روایت دارد یک شخصی می گوید من خارج از مدینه زندگی می کردم که برادر امام صادق آن جا بود. یک روز دیدم خانه ی برادر امام صادق شلوغ است، آمدم پرسیدم چه خبر است؟ فهمیدم امام صادق (علیه السلام) آمده به برادرش سر بزند. این ها نکات مهمی است.

یک وقتی یک کسی از بستگان امام صادق به ایشان جسارت کرد، آن ها با امام صادق اختلاف سیاسی داشتند، از پسر عموها، از نوادگان امام مجتبی به ایشان جسارت کرد، توهین کرد آقا جواب نداد و رفت. فردا امام صادق به در خانه ی این بنده خدا آمد که به قول معروف کدورت شب قبل را از بین ببرد با این که او مقصّر بود. راوی حدیث می گوید من به آقا گفتم آقا ایشان به شما جسارت کرد، شما آمدیدی؟! فرمود: ایشان وقتی رفت شب قرآن را باز کردم، به آیه ی ۱۹ سوره ی رعد رسیدم که هشت و بیژگی خدا برای خردمندان ذکر کرده است «...إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ» خردمندان کسانی هستند که اول به عهد خود با خدا وفا می کنند. هشت مورد را می شمارد، دومی این است «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ»^۱ خردمندان کسانی هستند که آن جایی که خدا گفته وصل کنید وصل می کنند، گفته قطع کنید قطع می کنند و درباره ی فامیل وصل فرموده، ما صله ی رحم داریم «يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» وقتی این آیه را خواندم همین صبح آمدم با او صلح کنم و صله ی رحم کنم. او هم در را باز کرد و خوشحال شد و کدورت هم رفع شد.

در بحث رابطه با فامیل مقابله به مثل جایز نیست که بعضی بگویند او سر نزده ما هم سر نمی زنیم، او مقصّر بوده... نه اتفاقاً برعکس می گوید: «صِلْ مَنْ قَطَعَكَ»^۲ خدا سه دستور به پیغمبر داد

۱- «صِلْ مَنْ قَطَعَكَ» هر کسی از فامیل با تو قطع رابطه کرده تو سر بزنی. «وَأَعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ» هر کس بدی کرده تو خوبی کن «وَأَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ» هر کس تو را محروم کرده تو اعطا کن.

رفتار با خویشاوندان سببی هم باید خوب باشد، مادر همسر، برادر همسر فرقی نمی کند. پیغمبر گرامی اسلام بستگان حضرت خدیجه را تحویل می گرفت، می فرمود: خدیجه ی کبری این ها را دوست داشت. یک زنی یک موقعی خدمت پیغمبر آمد، پیغمبر خیلی او را تحویل گرفت گفتند یا رسول الله چه شده، ایشان چه ویژگی دارد؟ فرمود: او نزد خدیجه ی کبری محبوب بود. پس رحم اولاً نسبی بعد سببی. اولویت برادر، خواهر، عمه، عمو، خاله، دایی و توجه به این نکته می شود که صله ی رحم به هر حال در اسلام اثر روحی و روانی دارد یعنی باعث آرامش می شود، باعث رفع کدورت می شود، باعث رفع نیاز از هم می شود، باعث ارتباطات صمیمی تر می شود، ازدواج صورت می گیرد، مشکلات رفع می شود. چقدر خوب است که ان شاء الله این فرهنگ اسلام در بین ما گسترش پیدا کند. این ها مجموعه ی مطالبی بود که در دو برنامه راجع به سیره ی برخورد با خانواده بیان شد. اما در ارتباط با سایر مردم و اقشار ان شاء الله در برنامه های بعد به آن می پردازیم.